

کروماکی چیست؟

کروماکی یا به انگلیسی (Chroma key) یک طیف رنگ با دامنه و فرکانس مشخص می تواند کروماکی محسوب شود. برای ضبط کروماکی می توان از هر رنگی استفاده کرد، اما بهترین رنگها برای کروماکی رنگ های سبز و آبی است. با افزایش کاربرد نرم افزارهای **تدوین** و جلوه های ویژه، این روزها استفاده از **استودیو کروماکی**، بیشتر از قبل متداول شده است، استودیوهای که برای ساخت فیلم های تبلیغاتی و حتی فیلم های داستانی و مستند از رنگها و پرده های آبی و سبز استفاده می کنند در حال افزایش است.

چه رنگی های دیگری برای کروماکی استفاده شده؟

همانطور که گفته شد هر رنگی قابلیت کروماکی شدن را دارد، اما اغلب شاهد رنگهای سبز و آبی برای پس زمینه ی هستیم، اما از نمونه رنگهای دیگر: فیلم ماتریکس بارنگ ماژنتا فیلمبرداری شد و یا در فیلم Airforce 1 از با رنگ قرمز و در فیلم آپلو ۱۳ از رنگ نارنجی و در دهه ی ۷۰ میلادی هالیود از رنگ زرد برای کروماکی استفاده می کردن.

اما چرا رنگ آبی و سبز در استودیو کروماکی پرکاربرد تر هستند؟

سنسور اغلب دوربین های تصویربرداری از سطوح حساس به رنگ سبز بیشتری نسبت به رنگ های آبی و قرمز تشکیل شده که این امر سبب میگردد که کمترین نویز در رنگ سبز باشد، پس بهتر است از رنگ سبز برای پس زمینه ی کروماکی استفاده شود. البته دقت کنید که از جمله ی "اغلب دوربینهای تصویربرداری" استفاده شده و برخی از دوربینها از این قانون تبعیت نمیکنند. در کروماکی باید از رنگهای مخصوص کروماکی استفاده شود و یا از پرده های ضخیمی که نور را منعکس نمی کنند باید به نور پردازی هم دقت کرد که سایه کاراکتر ها روی پرده دیده نشده و کار کروماکی راحت تر و تمیز تر انجام شود. در ادامه ی این مطلب به چند نکته کلیدی در این زمینه فیلمبرداری و **کارگردانی** در استودیو کروماکی اشاره می شود:

۱- سوژه ی خود را حداقل در فاصله ۳ متری پرده قرار دهید، فاصله ی ۴ تا ۵ متر عالی است، نکته دیگر این که بعضی از همکاران بدون توجه به امکانات نرم افزار، فکر می کنند که باید تمام محیط قابل تصویربرداری را با پرده آبی یا سبز پوشانند. این موضوع آرمانی است، اما تنها نکته مهم در این میان قرار گرفتن سوژه در محیط کروماکی است. فضاهای غیراستفاده ای که در تصویر دیده خواهند شد، به وسیله نرم افزار به راحتی قابل حذف هستند.

۲- دوربین را تا حد امکان دور از سوژه قرار دهید. این مساله به ویژه در زوایای محدود **لنز** تاثیر خود را نشان خواهد داد. به این ترتیب پرده سبز یا آبی خارج از فوکوس خواهد بود و در نتیجه چین و چروک های احتمالی پرده کمتر دیده خواهد شد.

۳- بعضی از فیلمبرداران گمان می کنند که با پرنور کردن فضا و یا دادن نور زیاد روی پرده، جلوی سایه های اضافی را خواهند گرفت و نیز key کردن سوژه را سهولت خواهند بخشید. اما نورپردازی باید کاملن منطقی و با برنامه باشد، توصیه می کنیم یک شات را در همان لحظه، روی

سیستم ریخته و همان جا عمل کروماکی را انجام دهند و حتما مانیتور کالیبره کنید، در غیر این صورت تمام عمل تست بی فایده است.

۴- اگر از پرده آبی استفاده می کنید، نور پروژکتورهای بک گراند را از فیلتر نارنجی یا زرد عبور دهید. دقت کنید که این فیلترها نباید خیلی تیره باشند. از کم رنگ ترین ها استفاده کنید. این کار باعث خواهد شد تا احتمال وجود رنگ آبی در موها یا لباس به صورت چشمگیری کاهش یابد. زیرا این backlight تکمیل کننده رنگ آبی شما خواهد بود و بعد از key کردن به صورت کاملن سفید به نظر خواهد رسید. کاغذ کالک هم خوب است.

۵- اگر از پرده سبز استفاده می کنید، نور پروژکتورهای بک گراند را از فیلتر ماژنتا عبور دهید، بعضی از دوستان تازه کار ماژنتا را با قرمز اشتباه می گیرند. لازم است دقت شود تا فیلتر ماژنتا باشد، آن هم ماژنتای ۴/۱ یا ۲/۱

۶- اگر تصویربرداری به دوربین هم وارد است، از او بخواهید تا اشکالات احتمالی نور را توسط دوربین اصلاح کند. بدیهی است که این روش در صورتی کاربرد منطقی دارد که شما در حال پخش مستقیم یک برنامه زنده هستید. وگرنه، این ریسک را نکنید و خرده کاری ها را به اپراتور یا مسوول جلوه های ویژه محول کنید.

۷- انواع رنگهای کروماکی و پارچه آبی و سبز را در بازار شناسایی کنید، آن هایی را که برای کارت ان مناسب بودند، با ذکر کد رنگ آرشو کنید، دقت کنید که پارچه انتخابی تان باید کلفت، ۱۰۰٪ آبی یا ۱۰۰٪ سبز باشد. نکته عجیب اما قابل توجه این که آبی ۱۰۰٪ با سرمه ای فرق می کند، سرمه ای ترکیبی از آبی و مشکی و گاهی قرمز است، سعی کنید جنسی را انتخاب کنید که تا حد امکان ترکیب رنگی دیگری نداشته باشد و حتما از پارچه هایی که نور را منعکس می کنند اجتناب کنید.

۸- دوربین را عموماً بر روی manual mode بگذارید تا امکان عملیات دستی داشته باشید. اینجاست که یک تصویربردار حرفه ای حکم ناجی را برای شما خواهد داشت.

۹- قبل از شروع تصویربرداری، فاصله کانونی را بر روی کاغذ کاملن سفیدی نوشته و از آن تصویر بگیرید، زیرا یک اپراتور حرفه ای در هنگام key کردن تصویر به آن نیاز خواهد داشت. اگر کلاکت داشتید که چه بهتر اما کاغذ کاربرد دیگری دارد که در زیر به آن اشاره خواهم کرد.

۱۰- نورپردازی را اول در مورد background انجام دهید. تنظیمات دوربین را که انجام دادید، این بار نورپردازی را بر اساس آن چه که در دوربین ثبت شده برای foreground انجام دهید. آن کاغذ سفید اینجا خیلی به درد می خورد. در همه حال، سفیدی آن می تواند برای شما به عنوان یک راهنما به کار رود. دقت کنید که در هنگام تنظیم نور foreground با فاصله کانونی دوربین کاری ندارید. شما باید شدت نور را توسط پروژکتورها تنظیم کنید.